

دعای ابو حمزه ثمالی: از مضمون تا نظام

کاربرد تحلیل مضمون شبکه ای در فقه الحدیث

چکیده

مسئله اصلی این پژوهش امکان سنجی استخراج نظام و شبکه مفاهیم بنیادین دعای ابو حمزه با روش تحلیل مضمون شبکه ای به مثابه یکی از ابزارهای نوین فقه الحدیث است و به طور خاص به این پرسش پاسخ می دهد که مضامین پایه و نظام های معارفی بخش نخست این دعا کدام است؟ تاکنون با این رویکرد و با محوریت این پرسش دعای ابو حمزه واکاوی نشده است. روش ورودند تحقیق چنین بود که متن دعا - بخش اول - پس از کدگذاری و استخراج مفاهیم، در سه سطح مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر تحلیل شد تا شبکه مفهومی حاکم بر آن آشکار گردد. یافته های پژوهش نشان داد که ساختار معنایی بخش ابتدایی دعای ابو حمزه ثمالی در قالب سه مضمون فراگیر «نظام عبودیت و سلوک بندگی»، «نظام ربوبیت و رحمت الهی» و «نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند» سامان یافته است. مفاهیم بنیادینی همچون فقر وجودی، تواضع، خوف و رجاء، هدایت، رحمت، مغفرت، مناجات و ارتباط قلبی با خداوند، در قالب شبکه ای منسجم با یکدیگر پیوند دارند. همچنین، تحلیل روابط میان مضامین نشان داد که این بخش از دعا، نظامی معرفتی و تربیتی را بازنمایی می کند که در آن، عبودیت انسان، ربوبیت الهی و ارتباط معنوی با خداوند، ارکان اصلی سلوک معنوی و خودسازی انسان را تشکیل می دهند. برآیند کلی پژوهش نشان می دهد که بخش ابتدایی دعای ابو حمزه ثمالی صرفاً متنی عبادی نیست، بلکه واجد نوعی نظام انسان شناختی، خداشناختی و عرفانی منسجم است. همچنین، یافته ها بیانگر آن است که روش تحلیل مضمون شبکه ای، ظرفیت بالایی در کشف ساختارهای مفهومی و معنایی متون دینی دارد.

کلیدواژه: تحلیل مضمون، دعای ابو حمزه ثمالی، مضامین پایه، مضامین سازمان دهنده، مضامین فراگیر، فقه الحدیث.

مقدمه

در مطالعات فقه الحدیثی، یکی از مسائل محوری، کشف «نظام معنایی» و «شبکه مفاهیم» حاکم بر متون حدیثی است؛ به ویژه در متون بلند و پیوسته ای که در منابع حدیثی با عنوان احادیث طوال مأثوره شناخته می شوند. این دسته از متون معمولاً مجموعه ای از گزاره های منفصل و پراکنده نیستند، بلکه از انسجام درونی برخوردارند و بخش مهمی از معنای آن ها در سطح روابط میان مفاهیم شکل می گیرد. از این رو، تحلیل متن در این قلمرو صرفاً با شرح واژه ها و تبیین دلالت های موردی به نتیجه مطلوب

نمی‌رسد بلکه مستلزم آن است که پژوهشگر بتواند ساختار مفهومی متن را بازسازی کرده و نشان دهد مفاهیم بنیادین چگونه در ارتباط با یکدیگر، جهت‌گیری کلان معنا را پدید می‌آورند.

مسئله این است که دلالت‌های اصلی در متون حدیثی بلند، غالباً در یک جمله یا عبارت مستقل خلاصه نمی‌شود بلکه در تعامل میان مضامین، در تکرارهای معنادار، در تقابل‌ها، و در محورهای سازمان‌دهنده‌ای آشکار می‌گردد که متن را به یک «کل منسجم» تبدیل می‌کند. بر این اساس، اگر روابط درون‌متنی مفاهیم نادیده گرفته شود، نتیجه پژوهش ممکن است به برداشت‌هایی جزیره‌ای، گسسته و گاه ناسازوار بینجامد. بنابراین، بازسازی نظام معنایی و شبکه مفاهیم، افزون بر افزایش دقت در فهم فقه‌الحدیثی، امکان ارائه تفسیری منسجم، مستند و گزارش‌پذیر از متن را فراهم می‌آورد و زمینه را برای بهره‌گیری از روش‌های نوین معناشناسی در تحلیل متون حدیثی تقویت می‌کند.

در میان متون حدیثی بلند امامیه، دعا‌های مأثور جایگاهی ممتاز دارند؛ زیرا افزون بر وجه نیایشی، حامل منظومه‌ای از معارف اعتقادی، اخلاقی، تربیتی و انسان‌شناختی‌اند. باین حال، در بخش قابل توجهی از مطالعات دعایی، روش غالب همچنان شرح‌نگارانه، ترجمه‌محور یا استخراج مضامین به صورت فهرست‌وار است و کمتر تلاشی سامان‌مند برای نشان دادن ساختار شبکه‌ای مفاهیم و نسبت‌های درونی آن‌ها صورت گرفته است. دعای ابوحمزه ثمالی از نمونه‌های برجسته این سنخ متون است که به سبب تراکم مفاهیم و تنوع لایه‌های معنایی، ظرفیت بالایی برای بازخوانی نظام‌مند دارد؛ اما با وجود جایگاه ممتاز آن، بررسی‌های موجود غالباً به تبیین‌های موردی و گزاره محور بسنده کرده‌اند و «نظام مفهومی» آن، به‌ویژه در قالب یک شبکه معنادار از مضامین و روابط، کمتر به‌طور روشمند واکاوی شده است.

از این‌رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که آیا می‌توان با بهره‌گیری از رویکردهای نوین در معناشناسی متون، به‌ویژه «تحلیل مضمون شبکه‌ای»، نظام مفهومی بخش نخست دعای ابوحمزه ثمالی را بازسازی کرد؟ این پژوهش در پی آن است که مضامین پایه این بخش کدام‌اند، این مضامین در چه نظام‌های معارفی سازمان‌دهنده‌ای صورت‌بندی می‌شوند، و شبکه روابط معنایی میان آن‌ها چه تصویری از هندسه مفهومی دعا ارائه می‌دهد. ضرورت این تحقیق نیز از یک سو به نیاز فقه‌الحدیث به روش‌های منضبط برای کشف انسجام درونی متون بلند بازمی‌گردد و از سوی دیگر به خلأ پژوهشی موجود در تحلیل شبکه‌محور دعای ابوحمزه با تمرکز بر بخش نخست آن توجه دارد. بر این مبنا، مطالعه حاضر می‌کوشد ضمن ارائه خوانشی نظام‌مند از مفاهیم بنیادین دعا، امکان‌ها و کارآمدی روش تحلیل مضمون شبکه‌ای را به‌عنوان ابزاری نوین در فقه‌الحدیث نشان دهد. در مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیل مضمون شبکه‌ای، سعی شده ۳۱ فراز ابتدایی دعای ابوحمزه ثمالی تحلیل شود، تا منظومه فکری و معرفتی امام سجاد (ع) در این دعا کشف شده و محورهای اصلی کلام ایشان مشخص شود.

گفتنی است پس از واقعه عاشورا و استقرار حاکمیت اموی، جامعه اسلامی با شرایطی پیچیده و دشوار مواجه گردید؛ فشارهای سیاسی، محدودیت‌های فرهنگی و بروز جریان‌های فکری انحرافی، فضای عمومی امت اسلامی را به شدت تحت تأثیر قرار داد.

در چنین شرایطی، امام سجاده (ع) به عنوان پیشوای شیعیان، برای صیانت از معارف اصیل اسلامی و تربیت معنوی جامعه، بیش از هر چیز از زبان دعا و مناجات بهره برد. دعا‌های ایشان نه تنها ابزار ارتباط با خداوند، بلکه ابزاری برای تعلیم، پالایش فکری و بازسازی هویت دینی در عصر اختناق بودند. از مهم ترین این متون، دعای ابوحمزه ثمالی است (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۵۸۲؛ ابن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۵۷؛ کفعمی، ۱۴۱۸، ص ۲۰۵؛ مجلسی، ۱۴۲۳، ص ۹۲). استمرار نقل و بازتولید این دعا در طول تاریخ، نشان می‌دهد که ابوحمزه نه فقط راوی حدیث، بلکه حلقه‌ای تعیین کننده در زنجیره انتقال معارف اهل بیت (ع) بوده است.

پیشینه پژوهش: پژوهش‌های انجام شده درباره دعای ابوحمزه ثمالی، عموماً در قالب شرح، ترجمه، تفسیر و بیان نکات اخلاقی، عرفانی و تربیتی سامان یافته‌اند. در این میان، هرچند شماری از آثار به معرفی مفاهیم و مضامین دعا پرداخته‌اند، اما رویکرد غالب در آن‌ها، رویکردی شرحی و موضوع محور بوده است، نه تحلیلی و ساختارمند. در نتیجه، دعای ابوحمزه ثمالی کمتر به مثابه یک منظومه معنایی منسجم مورد مطالعه قرار گرفته است.

در منابع کتاب‌شناختی، آقابزرگ تهرانی از چند شرح بر دعای ابوحمزه ثمالی نام برده است، از جمله شرح سید حسین بن ابی القاسم جعفر بن حسین موسوی خوانساری (متوفی ۱۱۹۱ق)، شیخ محمد ابراهیم بن ملا عبدالوهاب سبزواری (متوفی ۱۲۹۱ق)، و محمدتقی بن حسین علی هروی اصفهانی حائری (متوفی ۱۲۹۹ق) (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۲۴۶). با این حال، به دلیل فقدان اطلاعات تفصیلی درباره محتوای این آثار، داوری درباره روش و شیوه مواجهه آن‌ها با متن دعا ممکن نیست. افزون بر این، شرحی خطی از محمدحسین بن محمدجعفر سرابی تبریزی (۱۳۲۴ق) نیز در دست است که بر اساس شواهد موجود، با تکیه بر مباحث ادبی و زبانی، در پی توضیح معنای دعا بوده است (سرابی تبریزی، ۱۳۲۴، ص ۲ پشت).

در آثار معاصر نیز شرح‌هایی مانند بر درگاه دوست، بشنو از نی؛ مروری بر دعای ابوحمزه ثمالی، و شرح فقراتی از دعای ابوحمزه ثمالی را می‌توان در همین سنت مطالعاتی جای داد. این آثار، با وجود ارزشمندی در تبیین معارف دعا، عمدتاً بر توضیح، تفسیر و برجسته‌سازی آموزه‌های متن تمرکز دارند و کمتر از یک روش تحلیلی صریح برای کشف سازمان درونی مضامین بهره می‌برند.

بر پایه این بررسی، می‌توان گفت در منابع در دسترس، پژوهشی که دعای ابوحمزه ثمالی را با استفاده از روش تحلیل مضمون شبکه‌ای مطالعه کرده و طی آن مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر دعا استخراج و ساختار معنایی آن تبیین شده باشد، شناسایی نشد. از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد این خلأ را پوشش دهد و با به کارگیری تحلیل مضمون شبکه‌ای، تصویری ساختارمند از منظومه مضامین این دعا ارائه کند. از این رو، نوآوری پژوهش حاضر در آن است که با فاصله گرفتن از الگوی سنتی شرح نگاری، به تحلیل روشمند متن دعا بر اساس الگوی تحلیل مضمون شبکه‌ای می‌پردازد تا افزون بر شناسایی مضامین اصلی، ساختار حاکم بر دعا و منطق درونی پیوند میان مضامین آن را نیز آشکار سازد. بنابراین، اهمیت و تمایز این پژوهش در این است

که نه فقط به شرح فرازاها، بلکه به بازسازی سازمان معنایی دعا اهتمام دارد؛ امری که در مهم‌ترین آثار پیشین معرفی شده، یا اساساً محل توجه نبوده، یا دست کم به صورت روشمند و با چارچوب تحلیل مضمون شبکه‌ای انجام نگرفته است.

روش پژوهش: پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون انجام شده است. تحلیل مضمون، روشی برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوها یا مضامین درون داده‌ها است و داده‌های گسترده و متنوع را به صورت فشرده، منسجم و در عین حال غنی، سازمان‌دهی و توصیف می‌کند. با این همه، کارکرد این روش صرفاً به توصیف محدود نمی‌شود، بلکه در بسیاری از موارد، فراتر از سازمان‌دهی داده‌ها رفته و به تفسیر ابعاد مختلف موضوع پژوهش نیز می‌پردازد (Clarke, Braun, ۲۰۰۶, p. ۷۹). از سوی دیگر، تحلیل مضمون در پی آن است که روشن سازد داده‌ها چه می‌گویند و از این رهگذر، الگوهای معنادار نهفته در داده‌ها را شناسایی کند (خنیفر، مسلمی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۵۷). به همین سبب، می‌توان اصول بنیادین این روش، یعنی کدگذاری، جست‌وجوی مضامین و گزارش یافته‌ها را از مبانی مشترک بسیاری از روش‌های تحلیل کیفی، از جمله تحلیل گفتمان، نظریه زمینه‌ای و دیگر رویکردهای مشابه دانست (Kiger, Varpio, ۲۰۲۰, p. ۸۴۷).

در میان رویکردهای مختلف تحلیل مضمون، تحلیل مضمون شبکه‌ای یکی از الگوهای مهم و شناخته شده به شمار می‌آید که نخستین بار توسط اتراید-استرلینگ در سال ۲۰۰۱ مطرح شد. وی این رویکرد را با هدف بهبود فرایند تحلیل در پژوهش‌های کیفی و دستیابی به نتایجی روشن، منسجم و معنادار برای خلاصه‌سازی و سازمان‌دهی داده‌های موجود در متن، مصاحبه، فیلم و دیگر منابع کیفی ارائه کرد. در این رویکرد، شبکه‌های مضمونی ابزاری مناسب برای نظم‌بخشی به داده‌ها و نمایش روابط میان مضامین به شمار می‌روند؛ زیرا تحلیل مضمون در پی کشف مضامین برجسته متن در سطوح مختلف است و شبکه‌های مضمونی این امکان را فراهم می‌سازند که این مضامین در قالبی ساختارمند ترسیم و تبیین شوند (Attride-Stirling, ۲۰۰۱, p. ۳۸۷).

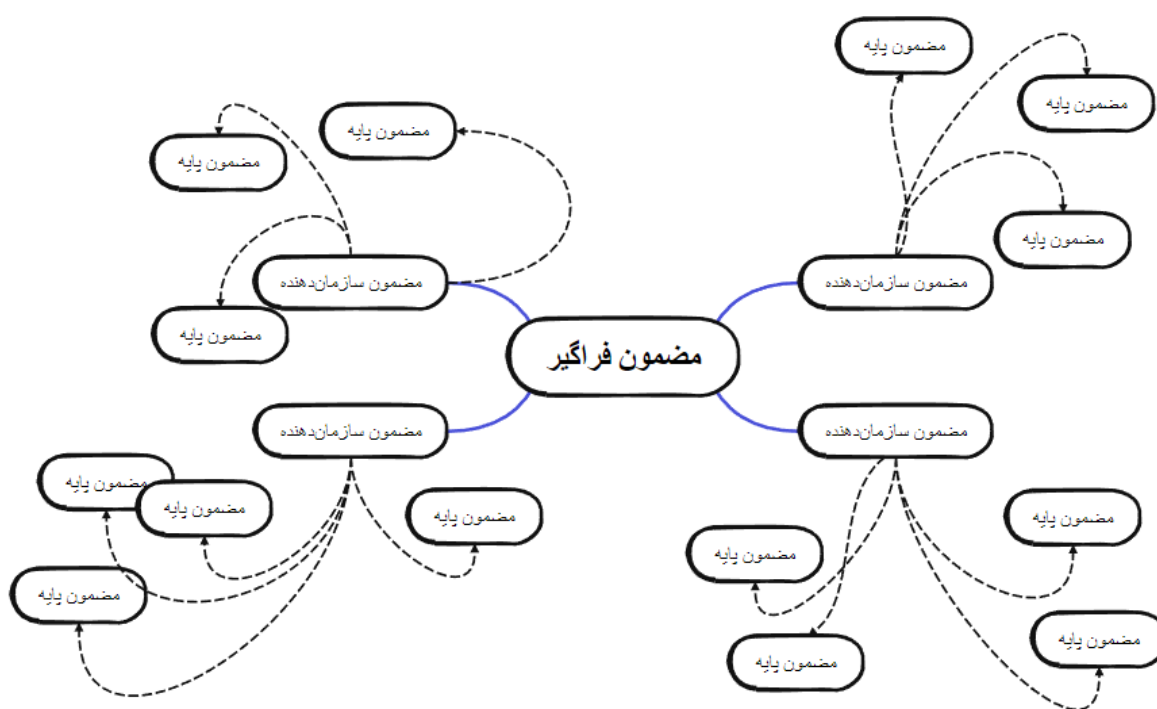
در رویکرد تحلیل مضمون شبکه‌ای، داده‌ها از طریق مضامین نهفته در متن، حامل معنا و انتقال‌دهنده مفاهیم به مخاطب‌اند. این مضامین در سه سطح اصلی سازمان‌دهی می‌شوند: مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر. مضامین پایه، ابتدایی‌ترین و جزئی‌ترین واحدهای معنایی‌اند که از متن استخراج می‌شوند. این مضامین، پس از دسته‌بندی و انسجام‌یابی، به مضامین سازمان‌دهنده تبدیل می‌شوند؛ مضامینی که مفاهیم و ایده‌های اصلی متن را در سطحی میانی تبیین می‌کنند. در نهایت، از ترکیب و یکپارچه‌سازی مضامین سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر شکل می‌گیرند که در عالی‌ترین سطح تحلیل، چارچوب کلی معنا، جهت‌گیری مسلط و ساختار مفهومی حاکم بر متن را آشکار می‌سازند. در این روش، هر مضمون فراگیر، هسته مرکزی یک شبکه مضمونی را تشکیل می‌دهد و بسته به گستره و پیچیدگی داده‌ها، ممکن است یک پژوهش به بیش از یک شبکه مضمونی بینجامد (Attride-Stirling, ۲۰۰۱, p. ۳۸۹).

در این پژوهش، متن دعای ابوحمزه ثمالی در گام نخست چندین بار به دقت مطالعه شد تا پژوهشگر به درکی جامع از فضای معنایی متن، مفاهیم محوری و مضامین تکرارشونده آن دست یابد. سپس متن دعا بر پایه انسجام موضوعی و پیوستگی معنایی

به فزاینده‌های نسبتاً مستقل تقسیم شد و هر فراز به‌عنوان واحد تحلیل مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه، مضامین اولیه از متن استخراج و کدگذاری شد و پس از مقایسه، دسته‌بندی و بازبینی مستمر، در سه سطح مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر سامان یافت تا شبکه مضمونی نهایی دعا ترسیم شود.

در ادامه، مضامین اولیه یا «مضامین پایه» از درون عبارات و مفاهیم متن استخراج شد. سپس مضامین دارای پیوند معنایی، ذیل «مضامین سازمان‌دهنده» دسته‌بندی گردید تا مفاهیم کلان‌تر و منسجم‌تری صورت‌بندی شود. در نهایت، با تحلیل و ادغام مضامین سازمان‌دهنده، «مضامین فراگیر» شناسایی شد؛ مضامینی که بیانگر ساختار کلان معنایی و شبکه مفهومی حاکم بر دعا است. این ساختار، مطابق نمودار مقابل، به صورت سلسله‌مراتبی از مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر ترسیم و گزارش شده است:

همچنین، به‌منظور افزایش اعتبار و استحکام علمی یافته‌ها، نتایج حاصل از همه مراحل پژوهش با نظر و ارزیابی خبرگان علوم حدیث، به‌ویژه در حوزه‌های فقه‌الحديث و معناشناسی مدرن، سنجیده و بازبینی شده است



دیاگرام ۱، مضامین فراگیر، (منبع: نگارنده).

۱. تحلیل مضمون شبکه‌ای دعای ابو حمزه ثمالی

در این بخش، یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون شبکه‌ای دعای ابو حمزه ثمالی ارائه می‌شود. مضامین استخراج‌شده از متن دعا پس از فرایند کدگذاری و تحلیل، در سه سطح مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر طبقه‌بندی شده‌اند. این مضامین بیانگر مهم‌ترین لایه‌های معنایی و مفهومی دعا بوده و چارچوب کلی محتوای آن را نمایان می‌سازند.

۱-۱. تجزیه و استخراج مضامین پایه

پس از مطالعه مکرر و حصول آشنایی عمیق با متن دعای ابوحزمه ثمالی، به دلیل طولانی بودن دعا، متن به سه بخش تقسیم شد. سپس بخش اول، با به کارگیری ملاک‌های واحد در تجزیه متن، به ۳۱ فراز تفکیک گردید. هر یک از این فرازها واجد چندین «مضمون پایه» است؛ ازاین‌رو، پس از بازخوانی و بررسی مجدد هر فراز، در مجموع ۲۲۸ مضمون پایه از میان ۳۱ فراز نخست استخراج شد و در جدول تحلیل، در مقابل هر فراز دعا درج گردید. در ادامه، به عنوان نمونه، بخشی از فرایند تحلیل مضمون شبکه‌ای در مرحله تجزیه و استخراج ارائه می‌شود:

شماره فراز	متن دعای ابوحزمه ثمالی	مضامین پایه
۱۸	سَتَّارُ الْغُيُوبِ، غَفَّارُ الذُّنُوبِ، عَلَّامُ الْغُيُوبِ، تَسْتُرُ الذُّنُوبَ بِكَرَمِكَ، وَتُوَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِجِلْمِكَ، فَالْحَمْدُ عَلَى جِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ	خداوند ستار العیوب است
		خداوند بسیار بخشنده گناهان است
		خداوند همه مسائل مخفی را می‌داند
		خداوند با بزرگواری از گناه بندگان می‌گذرد
		خداوند با صبر و بردباری، عذاب گناه را به تأخیر می‌اندازد
		ستایش بردباری خداوند درحالی که می‌داند
		ستایش بخشش خداوند از گناهان درحالی که قدرت بر عذاب دارد
۱۹	وَيَحْمِلُنِي وَيَجَرُّنِي عَلَى مَعْصِيَتِكَ حُلْمَكَ عَنِّي، وَيُدْعُونِي إِلَى قَلَةِ الْحَبَاءِ سِتْرَكَ عَلَيَّ، وَيُسِرُّ عَنِّي إِلَى التَّوْبَةِ عَلَى مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَعَظِيمِ عَفْوِكَ، يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا غَافِرَ الذُّنُوبِ، يَا قَابِلَ التَّوْبِ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ	بردباری خداوند موجب جرأت بندگان در ارتکاب معصیت خداوند می‌شود
		پرده‌پوشی خداوند موجب بی حیایی بندگان در ارتکاب گناه می‌شود
		شناخت رحمت گسترده خداوند موجب سرعت بخشیدن انسان در ارتکاب اعمال حرام می‌شود
		خداوند بردبار و بزرگوار است
		خداوند همیشه زنده است
		خداوند پایدار است
		خداوند بخشنده گناهان است
		خداوند توبه پذیر است
		خداوند دارای بخشش بزرگ است

لطف و احسان خداوند ازلی است		
درخواست پوشاندن زیبای الهی بر زشتی ها		
درخواست آمرزش گناهان با بخشش بزرگ الهی		
درخواست رفع مشکلات با گشایش نزدیک الهی		
درخواست امداد زود هنگام الهی		
درخواست رحمت گسترده الهی		
درخواست بخشش های برتر الهی		
درخواست هدایای گوارای الهی		
درخواست جوایز عالی الهی		
درخواست از فضل بزرگ خداوند		
درخواست از عطا و بخشش بزرگ خداوند		
درخواست لطف و کرم از خداوند کریم		
درخواست آزادی به واسطه کرم خداوند، حضرت محمد و اهل بیت ایشان		
درخواست خلاصی به واسطه رحمت خداوند		
خداوند بسیار نیکوکار است		
کارهای الهی بسیار زیاست		
خداوند بسیار نعمت دهنده است.		
خداوند بسیار بخشنده		
عدم کفایت اعمال بندگان برای نجات از کیفر الهی		
لزم تکیه بندگان به فضل الهی برای نجات از کیفر الهی		
تقوا و آمرزش الهی موجب اعتماد بندگان به فضل او می شود		
خداوند با نعمت خود نیکوکاری می کند		
خداوند با کرم خود گناه را می بخشد		
	أَيَّنَ سِرُّكَ الْجَمِيلُ ؟ أَيَّنَ عَفْوُكَ الْجَلِيلُ ؟ أَيَّنَ فَرَجُكَ الْقَرِيبُ ؟ أَيَّنَ غِيَاثُكَ السَّرِيعُ ؟ أَيَّنَ رَحْمَتُكَ الْوَاسِعَةُ ؟ أَيَّنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةُ ؟ أَيَّنَ مَوَاهِبُكَ الْهَنِيئَةُ ؟ أَيَّنَ صَنَائِعُكَ السَّيِّئَةُ ؟ أَيَّنَ فَضْلُكَ الْعَظِيمُ ؟ أَيَّنَ مَنُّكَ الْجَسِيمُ ؟ أَيَّنَ إِحْسَانُكَ الْقَدِيمُ ؟ أَيَّنَ كَرَمُكَ يَا كَرِيمُ ؟ بِهِ وَيَمُحَمَّدٌ وَالْمُحَمَّدُ فَاسْتَنْوِذْنِي، وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي	۲۰
	يَا مُحْسِنُ يَا مُجِيبُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ، لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي النِّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لَا نَكَ أَهْلُ النُّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، تُبْدِي بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا، وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا	۲۱

جدول ۱، مضامین پایه، (منبع: نگارنده).

۲_۱. تشریح مضامین سازمان دهنده

مضامین پایه استخراج شده از بخش آغازین دعای ابوحمزه ثمالی، بر پایه اشتراکات مفهومی، پیوندهای معنایی و هم‌جهتی محتوایی، بازبینی، مقایسه و ترکیب شدند. برآیند این فرایند، شکل‌گیری مجموعه‌ای از «مضامین سازمان‌دهنده» بود که هر یک نماینده بخشی از ساختار معنایی حاکم بر دعاست. بررسی فراوانی این مضامین نشان می‌دهد برخی مفاهیم در منظومه معرفتی دعا برجستگی بیشتری دارند و نقش محوری‌تری در تبیین نسبت انسان و خداوند ایفا می‌کنند. در این میان، مضمون «فقر و عبودیت مطلق بنده در برابر خداوند» با بیشترین میزان تکرار، کانون معنایی بخش آغازین دعا را می‌سازد و بر وابستگی وجودی انسان به خداوند دلالت دارد. همچنین مضامینی چون «اسماء و صفات ربوبی در تجلی وجودی»، «سلوک معنوی و شناخت نفس» و «رفتار متقابل خدا و بندگان» از دیگر محورهای برجسته این بخش به شمار می‌آیند که در کنار یکدیگر، شبکه‌ای منسجم از مفاهیم توحیدی، تربیتی و عرفانی را سامان داده‌اند.

جدول زیر، مضامین سازمان‌دهنده استخراج شده از این بخش و میزان فراوانی هر یک را نشان می‌دهد.

ردیف	مضامین سازمان‌دهنده	فراوانی
۱	فقر و عبودیت مطلق بنده در برابر خداوند	۳۱ بار
۲	اسماء و صفات ربوبی در تجلی وجودی	۱۹ بار
۳	سلوک معنوی و شناخت نفس	۵ بار
۴	رفتار متقابل خدا و بندگان	۵ بار
۵	ستایش خداوند و افعال الهی	۴ بار
۶	راهنمایی و ربوبیت الهی	۴ بار
۷	امید و فزون‌بخشی الهی	۴ بار
۸	رحمت و بخشش الهی	۳ بار
۹	تواضع و اعتراف در دعا	۳ بار
۱۰	خوف، رجاء و مقام رضا	۳ بار
۱۱	مناجات و ارتباط قلبی با خداوند	۲ بار
۱۲	راه باز برای بندگان	۲ بار
۱۳	هدایت، راهنمایی و شناخت خدا	۲ بار
۱۴	نیایش صمیمی و ارتباط با خداوند	۲ بار
۱۵	توکل و توحید در دعا	۲ بار
۱۶	شناخت، هدایت و سرپرستی الهی	۲ بار
۱۷	ترکیب خوف و رجاء در دعا	۲ بار
۱۸	دعا، توسل و رابطه بنده با خدا	۲ بار

جدول ۲، میزان فراوانی مضامین سازمان دهنده، (منبع: نگارنده).

۳-۱. ترکیب و ادغام مضامین فراگیر

پس از استخراج و تحلیل مضامین سازمان دهنده، مرحله نهایی پژوهش به شناسایی «مضامین فراگیر» اختصاص یافت. در این مرحله، مضامین سازمان دهنده بر اساس هم پوشانی مفهومی، انسجام معنایی و ارتباط محتوایی ترکیب و بازسازمان دهی شدند تا ساختار کلان و شبکه معنایی حاکم بر بخش آغازین دعای ابو حمزه ثمالی آشکار گردد. یافته ها نشان داد که مضامین سازمان دهنده، با وجود تنوع مفهومی، در سه حوزه بنیادین قابل صورت بندی اند که هر یک بخشی از نظام معرفتی و تربیتی دعا را نمایندگی می کند.

الف) نظام عبودیت و سلوک بندگی: این مضمون فراگیر، مؤلفه هایی چون فقر وجودی انسان، تواضع، خوف و رجاء، توکل و سلوک معنوی را در بر می گیرد و بیانگر تلقی دعا از حقیقت بندگی و وابستگی وجودی انسان به خداوند است.

ب) نظام ربوبیت و رحمت الهی: این مضمون فراگیر بر محور اسماء و صفات الهی، هدایت، ربوبیت، رحمت و فضل الهی شکل می گیرد و ابعاد خداشناختی متن دعا را تبیین می کند.

ج) نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند: این مضمون فراگیر، مفاهیمی همچون دعا، توسل، مناجات و ارتباط درونی بنده با خداوند را شامل می شود و ساحت تعاملی و معنوی رابطه انسان با خداوند را آشکار می سازد.

جدول زیر، مضامین فراگیر استخراج شده و مضامین سازمان دهنده مرتبط با هر یک را نشان می دهد.

ردیف	مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده مرتبط
۱	نظام عبودیت و سلوک بندگی	فقر و عبودیت مطلق بنده در برابر خداوند سلوک معنوی و شناخت نفس تواضع و اعتراف در دعا خوف، رجاء و مقام رضا ترکیب خوف و رجا در دعا توکل و توحید در دعا
۲	نظام ربوبیت و رحمت الهی	اسماء و صفات ربوبی در تجلی وجودی ستایش خداوند و افعال الهی راهنمایی و ربوبیت الهی شناخت، هدایت و سرپرستی الهی هدایت، راهنمایی و شناخت خدا

رحمت و بخشش الهی		
امید و فزون بخشی الهی		
راه باز برای بندگان		
رفتار متقابل خدا و بندگان	نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند	۳
مناجات و ارتباط قلبی با خداوند		
نیایش صمیمی و ارتباط با خداوند		
دعا، توسل و رابطه بنده با خدا		

جدول ۳، مضامین فراگیر و مضامین سازمان دهنده مرتبط، (منبع: نگارنده).

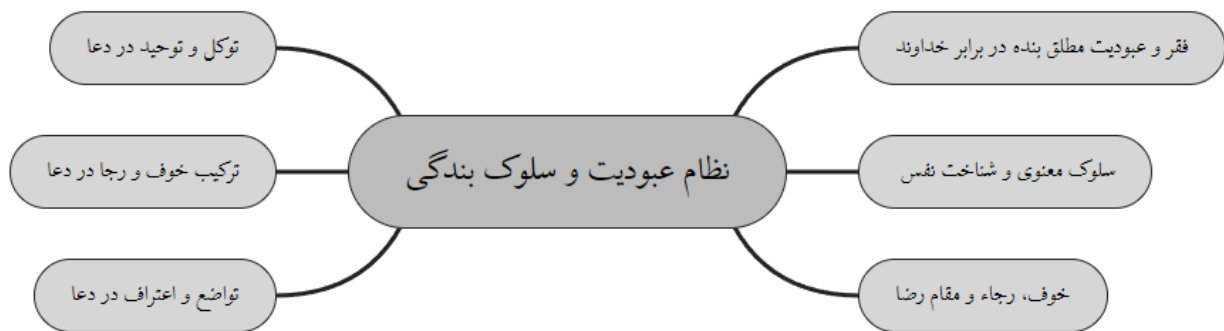
۱-۳-۱. تحلیل مضامین فراگیر:

۱-۳-۱-۱. **مضمون فراگیر نظام عبودیت و سلوک بندگی:** مضمون فراگیر «نظام عبودیت و سلوک بندگی» یکی از محوری ترین شبکه های معنایی در بخش ابتدایی دعای ابو حمزه ثمالی است که بر تبیین حقیقت عبودیت، فقر وجودی انسان و چگونگی حرکت معنوی بنده در مسیر تقرب الهی تمرکز دارد. این مضمون فراگیر، انسان را موجودی وابسته و نیازمند به خداوند معرفی می کند که هویت معنوی او در سایه عبودیت، خودشناسی، توکل و تعادل میان خوف و رجاء شکل می گیرد. در این ساختار معنایی، دعا بستری برای تربیت معنوی انسان و هدایت او به سوی کمال و قرب الهی به شمار می رود.

۱-۳-۱-۲. مضامین سازمان دهنده مرتبط با این مضمون فراگیر عبارت اند از:

- فقر و عبودیت مطلق بنده در برابر خداوند
- سلوک معنوی و شناخت نفس
- تواضع و اعتراف در دعا
- خوف، رجاء و مقام رضا
- ترکیب خوف و رجاء در دعا

• توکل و توحید در دعا



دیاگرام ۲، نظام عبودیت و سلوک بندگی، (منبع: نگارنده).

۱_۳_۱. برخی از مضامین پایه استخراج شده ذیل این شبکه معنایی عبارت اند از:

- اعتراف به ضعف و ناتوانی انسان
- فقر ذاتی بنده در برابر خداوند
- نیاز همیشگی به رحمت الهی
- امید به بخشش و فضل خداوند
- خوف از کوتاهی و غفلت
- اعتماد و توکل بر خداوند
- طلب هدایت و قرب الهی
- شناخت کاستی‌های نفس
- تسلیم و رضایت در برابر اراده الهی

۱_۳_۲. جمع بندی تحلیلی

بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون شبکه‌ای، مضمون فراگیر «نظام عبودیت و سلوک بندگی» را می‌توان هسته محوری و بنیادین بخش ابتدایی دعای ابوحمزه ثمالی دانست؛ زیرا بخش قابل توجهی از مضامین پایه و سازمان‌دهنده پیرامون تبیین حقیقت عبودیت، فقر وجودی انسان و چگونگی حرکت او در مسیر تعالی معنوی سامان یافته‌اند. فراوانی بالای مضامین مرتبط با «فقر و عبودیت مطلق بنده در برابر خداوند» نشان می‌دهد که دعا، انسان را موجودی مستقل و خودبنیاد معرفی نمی‌کند، بلکه او را حقیقتی وابسته، نیازمند و محتاج به رحمت و ربوبیت الهی می‌داند. از این منظر، عبودیت در دعا صرفاً یک وظیفه

شرعی یا کنش عبادی نیست، بلکه نوعی آگاهی وجودشناختی نسبت به حقیقت انسان و جایگاه او در نظام هستی به شمار می‌رود.

همچنین، ارتباط مفهومی میان مضامین «شناخت نفس»، «تواضع»، «اعتراف»، «خوف و رجاء» و «توکل» بیانگر آن است که دعای ابوحمزه ثمالی، الگویی تدریجی و تربیتی از سلوک معنوی ارائه می‌دهد. در این الگو، انسان ابتدا با شناخت ضعف‌ها و کاستی‌های خویش به مرحله خود آگاهی می‌رسد، سپس از رهگذر تواضع و اعتراف به فقر وجودی، زمینه تقرب الهی را فراهم می‌سازد. در ادامه، تعادل میان خوف از غفلت و امید به رحمت الهی، مانع سقوط انسان در ورطه یأس یا غرور می‌شود و در نهایت، توکل و رضا به‌عنوان عالی‌ترین مراتب سلوک بندگی، انسان را به آرامش و اطمینان معنوی رهنمون می‌سازد.

از سوی دیگر، شبکه معنایی این مضمون فراگیر نشان می‌دهد که دعا در پی تربیت انسانی منفعل و منزوی نیست، بلکه انسانی آگاه، مسئول و در حال سیر به سوی کمال را ترسیم می‌کند؛ انسانی که با درک وابستگی مطلق خود به خداوند، مسیر اصلاح درونی و تعالی معنوی را طی می‌کند. به همین دلیل، عبودیت در این دعا با مفاهیمی چون معرفت نفس، امید، حرکت معنوی و اعتماد به خداوند پیوند خورده و به یک نظام جامع تربیتی و عرفانی تبدیل شده است.

در مجموع، می‌توان گفت که مضمون فراگیر «نظام عبودیت و سلوک بندگی» نه تنها چارچوب معرفتی بخش ابتدایی دعای ابوحمزه ثمالی را شکل می‌دهد، بلکه بنیان اصلی سایر مضامین دعا نیز محسوب می‌شود؛ زیرا رابطه انسان با خداوند، فهم رحمت الهی و حتی مفهوم دعا و مناجات، همگی بر پایه درک حقیقت عبودیت و وابستگی وجودی انسان به خداوند معنا می‌یابند. از این رو، این مضمون فراگیر را می‌توان کلید فهم ساختار تربیتی، عرفانی و انسان‌شناختی دعای ابوحمزه ثمالی دانست.

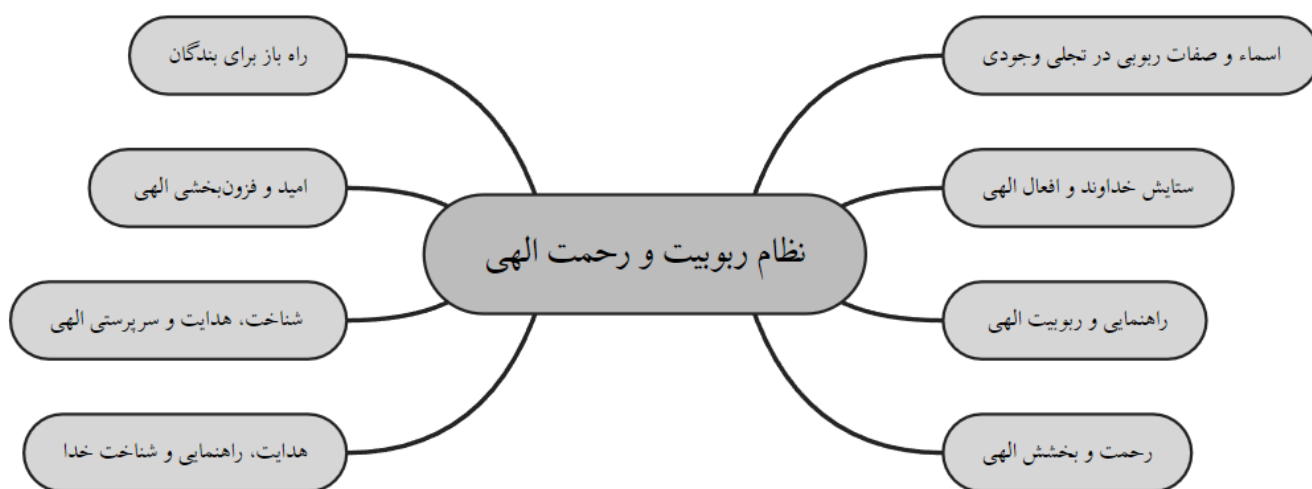
۱_۳_۲. مضمون فراگیر نظام ربوبیت و رحمت الهی:

مضمون فراگیر «نظام ربوبیت و رحمت الهی» یکی از بنیادی‌ترین شبکه‌های معنایی در بخش ابتدایی دعای ابوحمزه ثمالی است که بر تبیین جایگاه خداوند به‌عنوان رب، هدایتگر، سرپرست و منشأ رحمت و فضل الهی تمرکز دارد. این مضمون فراگیر، تصویری جامع از خداوند ارائه می‌دهد که در آن، ربوبیت الهی تنها به معنای خالقیت و تدبیر جهان نیست، بلکه شامل هدایت، تربیت، رحمت، بخشش و گشودن راه بازگشت برای بندگان نیز می‌شود. در این ساختار معنایی، دعا بستری برای خداشناسی، ادراک صفات الهی و فهم رابطه رحمانی خداوند با انسان است.

۱_۳_۲_۱. مضامین سازمان‌دهنده مرتبط با این مضمون فراگیر عبارت‌اند از:

- اسماء و صفات ربوبی در تجلی وجودی
- ستایش خداوند و افعال الهی

- راهنمایی و ربوبیت الهی
- شناخت، هدایت و سرپرستی الهی
- هدایت، راهنمایی و شناخت خدا
- رحمت و بخشش الهی
- امید و فزون بخشی الهی
- راه باز برای بندگان



دیاگرام ۳، نظام ربوبیت و رحمت الهی، (منبع: نگارنده).

۱_۲_۳. برخی از مضامین پایه استخراج شده ذیل این شبکه معنایی عبارت اند از:

- گستردگی رحمت الهی
- امید به فضل و کرم خداوند
- هدایت انسان به سوی حق
- ربوبیت و سرپرستی الهی
- ستایش نعمت‌ها و افعال خداوند
- شناخت صفات جمال و جلال الهی
- گشودگی راه توبه و بازگشت
- بخشش و مغفرت الهی
- لطف و احسان خداوند به بندگان
- نیاز انسان به هدایت الهی

۱-۳-۲. تحلیل ارتباطی و تفسیری: تحلیل ارتباط میان مضامین نشان می‌دهد که دعای ابوحمره ثمالی، خداوند را صرفاً به‌عنوان موجودی متعال و دور از دسترس معرفی نمی‌کند، بلکه او را ربّی مهربان، هدایتگر و پیوسته حاضر در حیات انسان ترسیم می‌کند. در این شبکه معنایی، «اسماء و صفات ربوبی در تجلی وجودی» هسته اصلی خداشناسی دعا را تشکیل می‌دهد و سایر مضامین، در امتداد تبیین همین حقیقت قرار می‌گیرند. مضامین «راهنمایی و ربوبیت الهی»، «شناخت، هدایت و سرپرستی الهی» و «هدایت، راهنمایی و شناخت خدا» بیانگر آن‌اند که ربوبیت الهی در دعا، ماهیتی تربیتی و هدایتی دارد. خداوند در این متن، تنها آفریننده جهان نیست، بلکه هدایت‌کننده و پرورش‌دهنده انسان نیز هست و مسیر بازگشت و کمال را برای او فراهم می‌سازد. از این رو، مفهوم هدایت در دعا با شناخت خداوند و ادراک صفات الهی پیوندی عمیق دارد. همچنین، مضامین «رحمت و بخشش الهی»، «امید و فزون‌بخشی الهی» و «راه باز برای بندگان» نشان می‌دهد که رابطه خداوند با انسان، بر محور رحمت، فضل و گشودگی استوار است. حتی در شرایط گناه و غفلت، دعا همواره بر باز بودن مسیر توبه و بازگشت تأکید می‌کند و انسان را به امیدواری نسبت به فضل الهی فرا می‌خواند. در این میان، «ستایش خداوند و افعال الهی» نیز بیانگر آن است که شناخت افعال و نعمت‌های الهی، مقدمه‌ای برای تعمیق معرفت توحیدی و تقویت پیوند معنوی انسان با خداوند به شمار می‌رود.

۱-۳-۲. جمع‌بندی تحلیلی: یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون شبکه‌ای نشان می‌دهد که مضمون فراگیر «نظام ربوبیت و رحمت الهی» یکی از بنیادی‌ترین و اثرگذارترین لایه‌های معنایی در بخش ابتدایی دعای ابوحمره ثمالی را تشکیل می‌دهد و نقش محوری در سازمان‌دهی جهان‌بینی توحیدی دعا ایفا می‌کند. فراوانی قابل توجه مضامین سازمان‌دهنده‌ای همچون «اسماء و صفات ربوبی در تجلی وجودی»، «راهنمایی و ربوبیت الهی» و «رحمت و بخشش الهی» بیانگر آن است که متن دعا، بیش از هر چیز، درصدد تبیین نوع رابطه خداوند با انسان و کیفیت حضور ربوبیت الهی در حیات معنوی بشر است. در این ساختار معنایی، خداوند صرفاً به‌عنوان خالق و حاکم مطلق هستی معرفی نمی‌شود، بلکه به‌مثابه ربّی رحمان، هدایتگر، تربیت‌کننده و پناهگاه دائمی بندگان شناسانده می‌شود. تحلیل ارتباط مفهومی میان مضامین نشان می‌دهد که ربوبیت الهی در دعای ابوحمره ثمالی، ماهیتی صرفاً تکوینی یا اقتدارمحور ندارد، بلکه دارای ابعادی عمیقاً تربیتی، هدایتی و رحمانی است. خداوند در این دعا، هم منشأ آفرینش و تدبیر هستی است و هم هدایت‌گر مسیر کمال انسانی؛ از این رو، هدایت الهی نه امری مقطعی، بلکه فرایندی مستمر در حیات انسان تلقی می‌شود که با لطف، رحمت و سرپرستی الهی پیوند خورده است. همین مسئله سبب می‌شود که مضامین مرتبط با «هدایت»، «شناخت خدا» و «سرپرستی الهی» در کنار مضامین رحمت و بخشش قرار گیرند و شبکه‌ای منسجم از خداشناسی تربیتی را شکل دهند.

از سوی دیگر، تأکید مکرر دعا بر رحمت، فضل، مغفرت و باز بودن راه بازگشت برای بندگان، نشان‌دهنده غلبه رویکرد رحمانی در ساختار معنایی دعا است. در این منظومه معرفتی، رابطه خداوند با انسان بر پایه طرد و محروم‌سازی بنا نشده، بلکه بر محور

کرامت، فرصت بازگشت و امید به رحمت الهی استوار است. حتی در شرایطی که انسان به گناه، ضعف و غفلت خویش اعتراف می‌کند، متن دعا همچنان بر گستردگی رحمت الهی و امکان بازگشت تأکید دارد. این امر بیانگر آن است که دعای ابوحمزه ثمالی، در کنار تبیین حقیقت عبودیت، نوعی الهیات امید را نیز بازنمایی می‌کند؛ الهیاتی که در آن، انسان هیچ‌گاه از دایره لطف و رحمت الهی بیرون دانسته نمی‌شود.

همچنین، پیوند میان مضامین «ستایش خداوند و افعال الهی» با «اسماء و صفات ربوبی» نشان می‌دهد که دعا، شناخت خداوند را صرفاً در سطح مفاهیم ذهنی و انتزاعی محدود نمی‌کند، بلکه آن را در بستر تجربه وجودی و ادراک افعال و نعمت‌های الهی تفسیر می‌کند. به بیان دیگر، خداشناسی در این دعا، ماهیتی حضوری و تربیتی دارد و انسان از رهگذر مشاهده آثار ربوبیت و رحمت الهی، به معرفتی عمیق‌تر نسبت به خداوند دست می‌یابد. این نوع خداشناسی، زمینه‌ساز تحول درونی، تقویت امید و تعمیق پیوند معنوی انسان با خداوند می‌شود.

در مجموع، می‌توان گفت که مضمون فراگیر «نظام ربوبیت و رحمت الهی» چارچوب اصلی خداشناختی دعای ابوحمزه ثمالی را شکل می‌دهد و تصویری جامع از رابطه خداوند با انسان ارائه می‌کند؛ رابطه‌ای که در آن، ربوبیت الهی با هدایت، رحمت، تربیت و گشودگی مسیر بازگشت پیوند خورده است. از این رو، این مضمون فراگیر را می‌توان یکی از مهم‌ترین ارکان معرفتی و تربیتی دعا دانست که بستر معنایی لازم را برای شکل‌گیری عبودیت، امید، سلوک معنوی و ارتباط قلبی انسان با خداوند فراهم می‌سازد.

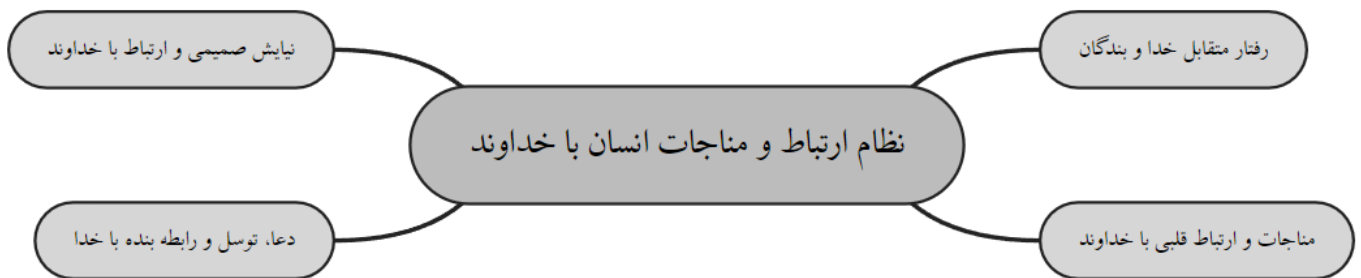
۱-۳-۳. مضمون فراگیر نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند

مضمون فراگیر «نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند» یکی از مهم‌ترین شبکه‌های معنایی در بخش ابتدایی دعای ابوحمزه ثمالی است که بر تبیین ابعاد عاطفی، معنوی و تعاملی رابطه انسان با خداوند تمرکز دارد. این مضمون فراگیر، دعا را صرفاً مجموعه‌ای از الفاظ و درخواست‌های عبادی تلقی نمی‌کند، بلکه آن را عرصه‌ای برای برقراری ارتباطی قلبی، آگاهانه و مستمر میان بنده و خداوند می‌داند. در این ساختار معنایی، انسان در مقام بنده، از طریق دعا، مناجات و توسل، نیازها، ضعف‌ها، امیدها و اشتیاق معنوی خویش را با خداوند در میان می‌گذارد و از این رهگذر، به نوعی قرب، آرامش و پیوند درونی با پروردگار دست می‌یابد.

۱-۳-۳.۱. مضامین سازمان‌دهنده مرتبط با این مضمون فراگیر عبارت‌اند از:

- مناجات و ارتباط قلبی با خداوند
- نیایش صمیمی و ارتباط با خداوند

- دعا، توسل و رابطه بنده با خدا
- رفتار متقابل خدا و بندگان



دیاگرام ۴، نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند، (منبع: نگارنده).

۱_۳_۲. برخی از مضامین پایه استخراج شده ذیل این شبکه معنایی عبارت اند از:

- اظهار نیاز و فقر در برابر خداوند
- گفت‌وگوی صمیمانه با پروردگار
- امید به اجابت دعا
- احساس قرب و حضور الهی
- توسل و پناه بردن به خداوند
- درخواست رحمت و مغفرت
- اعتماد به پذیرش الهی
- انس قلبی با خداوند
- پاسخ‌گویی خداوند به بندگان
- پیوند عاطفی میان بنده و خدا

۱_۳_۳. تحلیل ارتباطی و تفسیری: تحلیل ارتباط میان مضامین نشان می‌دهد که دعای ابوحمره ثمالی، دعا و

مناجات را نه صرفاً یک عمل عبادی آیینی، بلکه نوعی رابطه وجودی و تعاملی میان انسان و خداوند معرفی می‌کند. در این ساختار معنایی، «مناجات و ارتباط قلبی با خداوند» هسته اصلی شبکه را تشکیل می‌دهد و سایر مضامین در امتداد تعمیق این ارتباط معنوی قرار می‌گیرند.

مضمون «نیایش صمیمی و ارتباط با خداوند» بیانگر آن است که دعا در این متن، ماهیتی عاطفی و درونی دارد و انسان در فضای دعا، احساس نزدیکی، امنیت و آرامش را تجربه می‌کند. همچنین، مضمون «دعا، توسل و رابطه بنده با خدا» نشان می‌دهد که توسل و درخواست از خداوند، صرفاً جنبه درخواست‌محور ندارد، بلکه خودِ دعا نوعی پیوند معنوی و نشانه حضور

قلبی انسان در محضر الهی است.

از سوی دیگر، مضمون «رفتار متقابل خدا و بندگان» نشان می‌دهد که رابطه میان انسان و خداوند در دعا، رابطه‌ای یک‌سویه و منفعل نیست؛ بلکه نوعی تعامل پویا و دوطرفه میان بنده و پروردگار برقرار است. انسان با دعا و مناجات به سوی خداوند روی می‌آورد و خداوند نیز با رحمت، اجابت و لطف خویش به بندگان پاسخ می‌دهد. این مسئله بیانگر آن است که دعا در منطق دعای ابوحمزه ثمالی، بستری برای شکل‌گیری رابطه‌ای زنده، پویا و مستمر میان انسان و خداوند است.

۱-۳-۴. **جمع‌بندی تحلیلی:** یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون شبکه‌ای نشان می‌دهد که مضمون فراگیر «نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند» یکی از اساسی‌ترین ابعاد معرفتی، عرفانی و تربیتی در بخش ابتدایی دعای ابوحمزه ثمالی را تشکیل می‌دهد و نقش مهمی در تبیین کیفیت رابطه انسان با خداوند ایفا می‌کند. شبکه معنایی شکل گرفته پیرامون مضامینی همچون «مناجات و ارتباط قلبی با خداوند»، «نیایش صمیمی»، «دعا و توسل» و «رفتار متقابل خدا و بندگان» بیانگر آن است که دعا در این متن، صرفاً یک کنش عبادی یا مجموعه‌ای از الفاظ آیینی نیست، بلکه نوعی تجربه وجودی و ارتباطی عمیق میان انسان و خداوند به شمار می‌رود. در این ساختار معنایی، دعا به بستری برای شکل‌گیری رابطه‌ای آگاهانه، پویا و مستمر میان بنده و پروردگار تبدیل می‌شود؛ رابطه‌ای که بر پایه حضور قلب، احساس نیاز، امید به رحمت و اعتماد به لطف الهی استوار است.

تحلیل پیوندهای مفهومی میان مضامین سازمان‌دهنده نشان می‌دهد که دعای ابوحمزه ثمالی، رابطه انسان با خداوند را در چارچوب نوعی «الهیات ارتباطی» تفسیر می‌کند؛ به این معنا که خداوند در متن دعا، موجودی دور از دسترس و منفصل از حیات انسان نیست، بلکه حضوری فعال، پاسخ‌گو و اثرگذار در زندگی معنوی بنده دارد. از این رو، دعا و مناجات در این متن، صرفاً ابزاری برای بیان درخواست‌ها و نیازها نیست، بلکه شیوه‌ای برای تجربه حضور الهی، تقویت انس معنوی و ایجاد نوعی هم‌سخنی درونی با خداوند محسوب می‌شود. این مسئله سبب می‌شود که دعا در ساختار معنایی دعای ابوحمزه ثمالی، ماهیتی فراتر از کارکرد مناسکی پیدا کرده و به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تربیت معنوی و خودسازی انسان تبدیل شود.

همچنین، تأکید بر مضمون «رفتار متقابل خدا و بندگان» نشان‌دهنده آن است که رابطه میان انسان و خداوند در این دعا، رابطه‌ای یک‌سویه و صرفاً مبتنی بر تکلیف نیست، بلکه نوعی تعامل دوسویه و مبتنی بر محبت، رحمت و پاسخ‌گویی الهی است. انسان با دعا، توسل و بازگشت به سوی خداوند حرکت می‌کند و خداوند نیز با رحمت، مغفرت، اجابت و لطف خویش به این حرکت پاسخ می‌دهد. این ساختار تعاملی، نشان‌دهنده آن است که دعا در منطق این متن، بستر شکل‌گیری رابطه‌ای زنده و پویا میان بنده و خداوند است؛ رابطه‌ای که در آن، انسان همواره امکان بازگشت، گفت‌وگو و تقرب به خداوند را در اختیار دارد.

از منظر تربیتی و روان‌شناختی نیز، شبکه معنایی این مضمون فراگیر حاکی از آن است که دعا و مناجات در دعای ابوحمزه ثمالی، کارکردی آرامش‌بخش، امیدآفرین و هویت‌ساز دارند. انسان در فرآیند مناجات، احساس تنهایی و بی‌پناهی را پشت سر گذاشته و خود را در پناه ارتباطی عمیق با خداوند تجربه می‌کند. همین امر، زمینه شکل‌گیری آرامش درونی، تقویت امید،

کاهش اضطراب‌های وجودی و تعمیق معنویت را فراهم می‌سازد. به بیان دیگر، دعا در این متن، علاوه بر کارکرد عبادی، به‌مثابه ابزاری برای بازسازی روانی و معنوی انسان نیز عمل می‌کند.

در مجموع، می‌توان گفت که مضمون فراگیر «نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند» یکی از ارکان اصلی جهان‌بینی دعای ابوحمزه ثمالی را تشکیل می‌دهد و در کنار مضامین عبودیت و ربوبیت، ساختار معنایی دعا را تکمیل می‌کند. این مضمون فراگیر، الگویی جامع از رابطه معنوی انسان با خداوند ارائه می‌دهد که در آن، دعا و مناجات به‌عنوان مسیر تحقق قرب الهی، خود آگاهی معنوی و تعالی روحی انسان معرفی می‌شوند. از این رو، دعای ابوحمزه ثمالی را می‌توان متنی دانست که از رهگذر مناجات و گفت‌وگوی معنوی، نوعی نظام تربیتی و عرفانی مبتنی بر محبت، حضور و ارتباط مستمر با خداوند را بنیان می‌نهد.

۲. تحلیل روابط میان مضامین فراگیر دعای ابوحمزه ثمالی:

تحلیل شبکه‌ای مضامین استخراج شده از بخش ابتدایی دعای ابوحمزه ثمالی نشان می‌دهد که سه مضمون فراگیر «نظام عبودیت و سلوک بندگی»، «نظام ربوبیت و رحمت الهی» و «نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند» در عین تمایز مفهومی، دارای پیوندی عمیق، پویا و درهم‌تنیده‌اند و در مجموع، یک منظومه معرفتی و تربیتی منسجم را شکل می‌دهند. این مضامین نه به‌صورت مستقل و منفک، بلکه در قالب یک ساختار شبکه‌ای چندلایه عمل می‌کنند؛ به گونه‌ای که هر مضمون فراگیر، هم متأثر از مضامین دیگر است و هم در تکمیل و تبیین آن‌ها نقش ایفا می‌کند. از این رو، فهم دقیق ساختار معنایی دعا، تنها در پرتو تحلیل ارتباطات متقابل میان این سه شبکه کلان معنایی امکان‌پذیر خواهد بود.

در این منظومه معنایی، «نظام عبودیت و سلوک بندگی» نقطه آغاز حرکت معنوی انسان را تشکیل می‌دهد. مضامینی همچون «فقر و عبودیت مطلق بنده در برابر خداوند»، «تواضع و اعتراف در دعا»، «خوف و رجاء»، «توکل و توحید در دعا» و «سلوک معنوی و شناخت نفس» نشان می‌دهد که دعای ابوحمزه ثمالی، نخست بر خود آگاهی وجودی انسان و ادراک وابستگی مطلق او به خداوند تأکید می‌کند. انسان در این مرحله، با شناخت ضعف، نیاز و محدودیت‌های وجودی خویش، آمادگی ورود به ساحت ارتباط معنوی با خداوند را پیدا می‌کند. بنابراین، عبودیت در این دعا صرفاً یک مفهوم عبادی نیست، بلکه بنیان انسان‌شناختی و معرفتی کل ساختار دعا محسوب می‌شود.

این نظام عبودیت، به‌صورت مستقیم با مضمون فراگیر «نظام ربوبیت و رحمت الهی» پیوند می‌یابد؛ زیرا ادراک فقر وجودی انسان، بدون شناخت ربوبیت، رحمت و هدایت الهی معنا و کارکرد کامل خود را پیدا نمی‌کند. در حقیقت، هرچه انسان به ضعف و نیازمندی خویش آگاه‌تر می‌شود، بیشتر به ربوبیت، هدایت و رحمت الهی روی می‌آورد. از این رو، مضامینی نظیر «اسماء و صفات ربوبی در تجلی وجودی»، «راهنمایی و ربوبیت الهی»، «رحمت و بخشش الهی»، «امید و فزون‌بخشی الهی» و «راه باز برای بندگان» در ادامه طبیعی شبکه عبودیت قرار می‌گیرند. به بیان دیگر، دعای ابوحمزه ثمالی، رابطه انسان و خداوند را در قالب یک معادله دوسویه تبیین می‌کند: فقر و نیاز انسان در برابر رحمت، هدایت و ربوبیت خداوند معنا می‌یابد و ربوبیت الهی نیز در پاسخ به نیاز، ضعف و طلب انسان تجلی پیدا می‌کند.

از سوی دیگر، این دو شبکه معنایی در نهایت به مضمون فراگیر «نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند» منتهی می‌شوند. هنگامی که انسان، حقیقت عبودیت خویش را درک کرده و ربوبیت و رحمت الهی را می‌شناسد، زمینه شکل‌گیری رابطه‌ای قلبی، آگاهانه و عاشقانه با خداوند فراهم می‌شود. در این مرحله، مضامینی همچون «مناجات و ارتباط قلبی با خداوند»، «نیایش صمیمی و ارتباط با خداوند»، «دعا، توسل و رابطه بنده با خدا» و «رفتار متقابل خدا و بندگان» ظهور می‌یابند و ساختار ارتباطی دعا را شکل می‌دهند.

تحلیل ارتباط میان این مضامین نشان می‌دهد که دعا در منطق دعای ابوحمزه ثمالی، صرفاً واکنشی به نیازهای انسان نیست، بلکه محصول نوعی معرفت توحیدی و تجربه وجودی است. انسان ابتدا در پرتو عبودیت، حقیقت خویش را می‌شناسد؛ سپس در سایه شناخت ربوبیت و رحمت الهی، امید و اعتماد پیدا می‌کند؛ و در نهایت، این شناخت و اعتماد، در قالب دعا، مناجات و ارتباط قلبی با خداوند متجلی می‌شود. بنابراین، «مناجات» در این دعا نتیجه طبیعی «عبودیت» و «خداشناسی» است و نه صرفاً یک عمل عبادی مستقل. همچنین، ساختار شبکه‌ای مضامین نشان می‌دهد که رابطه میان این سه مضمون فراگیر، رابطه‌ای خطی و یک‌طرفه نیست، بلکه نوعی تعامل دائمی و بازگشتی میان آن‌ها برقرار است. به این معنا که ارتباط و مناجات با خداوند، خود موجب تعمیق عبودیت و تقویت معرفت نسبت به ربوبیت الهی می‌شود و این معرفت نیز به نوبه خود، کیفیت دعا و سلوک معنوی انسان را ارتقا می‌دهد. از این رو، سه مضمون فراگیر یادشده را می‌توان اضلاع یک نظام معنایی واحد دانست که در آن، عبودیت انسان، ربوبیت الهی و ارتباط معنوی میان بنده و خداوند، به صورت هم‌افزا و درهم‌تنیده عمل می‌کنند.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دعای ابوحمزه ثمالی، صرفاً متنی عبادی یا اخلاقی نیست، بلکه دارای ساختاری معرفتی و تربیتی است که بر پایه پیوند میان انسان‌شناسی توحیدی، خداشناسی رحمانی و ارتباط معنوی انسان با خداوند بنا شده است. این ساختار، الگویی جامع از سلوک معنوی انسان در اندیشه اسلامی ارائه می‌دهد؛ الگویی که در آن، انسان از رهگذر شناخت فقر وجودی خویش، ادراک رحمت و ربوبیت الهی و برقراری رابطه‌ای قلبی و مستمر با خداوند، مسیر تعالی معنوی و قرب الهی را طی می‌کند.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بخش ابتدایی دعای ابوحمزه ثمالی دارای ساختاری معنایی، منسجم و نظام‌مند است و مفاهیم آن در قالب سه مضمون فراگیر «نظام عبودیت و سلوک بندگی»، «نظام ربوبیت و رحمت الهی» و «نظام ارتباط و مناجات انسان با خداوند» سازمان یافته‌اند. تحلیل مضمون شبکه‌ای آشکار ساخت که این سه مضمون فراگیر، سه لایه مستقل و پراکنده نیستند، بلکه در قالب یک نظام معرفتی و تربیتی واحد عمل می‌کنند و ساختار کلی دعا را شکل می‌دهند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که مهم‌ترین محور معنایی دعا، تبیین حقیقت عبودیت و وابستگی وجودی انسان به خداوند است. فراوانی بالای مضامین مرتبط با فقر وجودی، تواضع، خوف و رجاء، توکل، اعتراف و شناخت نفس بیانگر آن است که دعای ابوحمزه ثمالی، عبودیت را صرفاً در سطح اعمال عبادی مطرح نمی‌کند، بلکه آن را حقیقتی وجودشناختی و مبنای سلوک

معنوی انسان می‌داند. در این ساختار، انسان تنها از رهگذر شناخت ضعف و نیاز ذاتی خویش، امکان حرکت به سوی کمال و قرب الهی را پیدا می‌کند.

پژوهش همچنین نشان داد که نظام عبودیت در دعای ابوحمره ثمالی، به صورت مستقیم با نظام ربوبیت و رحمت الهی پیوند دارد. مضامین مرتبط با اسماء و صفات ربوبی، هدایت، سرپرستی، رحمت، فضل، مغفرت و گشودگی راه بازگشت برای بندگان نشان داد که خداوند در این دعا، نه صرفاً حاکم و مدبر هستی، بلکه ربی رحمان، تربیت کننده و هدایتگر معرفی می‌شود. بنابراین، ساختار خداشناختی دعا بر محور رحمت، هدایت و امکان بازگشت انسان شکل گرفته است و رابطه خداوند با انسان، رابطه‌ای تربیتی و رحمانی تبیین می‌شود.

از سوی دیگر، یافته‌ها نشان داد که دعا در منطق دعای ابوحمره ثمالی صرفاً ابزار درخواست و بیان حاجت نیست، بلکه نوعی رابطه وجودی و تعاملی میان انسان و خداوند محسوب می‌شود. مضامینی همچون مناجات، نیایش صمیمی، توسل و رفتار متقابل خدا و بندگان بیانگر آن است که دعا در این متن، بستری برای تجربه حضور الهی، آرامش معنوی، خودسازی و پیوند قلبی انسان با خداوند فراهم می‌سازد. بدین ترتیب، دعا در این منظومه معنایی افزون بر کارکرد عبادی، دارای کارکردهای تربیتی، عرفانی و روان‌شناختی نیز هست.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش، کشف پیوند ساختاری میان سه مضمون فراگیر استخراج شده است. تحلیل روابط میان مضامین نشان داد که در دعای ابوحمره ثمالی، عبودیت انسان، ربوبیت الهی و مناجات با خداوند در یک چرخه معنایی و تربیتی به هم پیوسته قرار دارند؛ به این معنا که شناخت فقر وجودی انسان، او را به شناخت رحمت و ربوبیت الهی سوق می‌دهد و این شناخت، در قالب دعا و ارتباط قلبی با خداوند متجلی می‌شود. در مقابل، تجربه دعا و مناجات نیز موجب تعمیق عبودیت، تقویت امید و ارتقای سلوک معنوی انسان می‌گردد.

برآیند کلی یافته‌ها نشان می‌دهد که دعای ابوحمره ثمالی را می‌توان متنی جامع در حوزه انسان‌شناسی توحیدی، الهیات دعا و عرفان اسلامی دانست که در آن، رابطه انسان و خداوند بر پایه عبودیت، رحمت، هدایت و ارتباط معنوی تبیین شده است. این دعا صرفاً متنی عبادی نیست، بلکه نظامی معرفتی و تربیتی را بازنمایی می‌کند که قابلیت هدایت انسان در مسیر خودسازی و تعالی معنوی را داراست.

همچنین، نتایج این پژوهش نشان داد که روش تحلیل مضمون شبکه‌ای، ظرفیت بالایی در کشف ساختارهای مفهومی و روابط معنایی متون دینی دارد و می‌تواند به عنوان روشی کارآمد در تحلیل دعاها، متون روایی و آثار عرفانی مورد استفاده قرار گیرد. بر همین اساس، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، سایر ادعیه مأثور و متون دینی نیز با بهره‌گیری از این روش مورد مطالعه قرار گیرند تا ابعاد معرفتی و تربیتی آن‌ها به صورت نظام‌مند آشکار شود.

فهرست منابع

۱. ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۷۶). الإقبال بالأعمال الحسنة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. آقا بزرگ تهرانی، محسن. (۱۴۰۸). الذریعه إلى تصانیف الشیعه، قم، اسماعیلیان.
۳. خنیفر، حسین، مسلمی، ناهید. (۱۴۰۱). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی رویکردی نو و کاربردی. تهران: نگاه دانش.
۴. سرابی تبریزی، محمدحسین. (۱۳۲۴). شرح دعای سحر، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۲۴۳۴.
۵. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱)، مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة.
۶. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی. (۱۴۱۸). البلد الأمين و الدرع الحصین، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۲۳). زاد المعاد_مفتاح الجنان، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۸. Attride-Stirling, Jennifer. (۲۰۰۱). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. Qualitative Research, (۱)۳, ۳۸۵_۴۰۵.
۹. Braun V, Clarke V. (۲۰۰۶). Using thematic analysis in psychology. QualResearchPsych, ۳(۲), ۷۷-۱۰۱.
۱۰. Kiger, Michelle E., & Varpio, Lara. (۲۰۲۰). Thematic analysis of qualitative data: AMEE Guide No. ۱۳۱. MEDICAL TEACHER. (۴۲)۸, ۸۴۶_۸۵۴.